

# شعرو باران

خسرو قاسمیان

WWW.BOOKCAJIR



۱۴۰۰

سرشناسه : قاسمیان، خسرو، ۱۳۳۶-  
عنوان و نام پدیدآور : شعر و باران / خسرو قاسمیان.  
مشخصات نشر : تهران: بوی کاغذ، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری : ۱۸۹ ص:، ۱۴ × ۲۱ س.م.  
شابک : 978-622-6070-33-1  
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا  
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴  
موضوع : Persian poetry -- 20th century  
رده بندی کنگره : PIR۸۱۷۱  
رده بندی دیویی : ۸۱۷/۶۲  
شماره کتابشناسی ملی : ۷۵۵۰۶۷۹  
وضعیت رکورد : فیپا

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر شمالی، کوچه مجد، شماره ۵،

واحد یکم غربی، کد پستی: ۱۴۱۸۹۴۵۸۵۱

تلفن: ۶۶۱۱۲۸۴۹۱-۰۲۱. تلفن همراه: ۰۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

تارنما: [www.booka.ir](http://www.booka.ir)

رایانامه: [info@booka.ir](mailto:info@booka.ir)



نشر بوی کاغذ

## شعر و باران

دکتر خسرو قاسمیان

(عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز)

چاپ: اول، ۱۴۰۰ مدیر تولید: احمد رمضانی  
تیراژ: ۵۰۰ نسخه ناظر فنی چاپ: رضا جعفری  
طراح جلد: آزاده یوزجواد چاپ و صحافی: هنگام

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۷۰-۳۳-۱

**همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است**

نگارش این کتاب بر مبنای شیوه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی تهیه شده است

مجموعه حاضر را به کسی تقدیم می‌کنم که بار محبت بیدش در تصحیح و تهیه

شعرهایم بر دو شتم سکینی می‌کند؛ به شاعر محترم خانم شراره میراستوار.

WWW.BOOKA.IR

[www.books.ir](http://www.books.ir)

این مجموعه در سال ۱۳۷۹ با نام «از جنس خورشید» و با تعدادی غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی پیوسته به همت دوست گرانقدر، جناب آقای مسعودی، مدیر محترم انتشارات زر به چاپ رسید و در همان سال دیپلم افتخار جشنواره فرهنگ فارس به آن تعلق گرفت و اکنون با حفظ غزل‌ها و حذف بقیه شعرها، و افزودن سی و هشت غزل تازه به آن با عنوان «شعر و باران» و به لطف جناب آقای دکتر احمد رضوانی مدیر توانمند و خوش فکر نشر بوی کاغذ (بوکا) به چاپ می‌رسد. از مدیران محترم نشر زر و نشر بوکا صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و از شما خوانندگان این مجموعه نیز.

چشم دارم که به یک گوشه چشمی آن را  
به تماشا بنشینید و نظر بنمایید

[www.books.ir](http://www.books.ir)

## فهرست مطالب

- آیه‌های آسمانی / شعر انعکاس آرزوهای نهانی است ..... ۱۱
- چشم‌انتظار / امشب دلم را می‌تکانم پیش پایت ..... ۱۴
- یعنی عشق / دلم پر است پر از لحظه‌های بارانی ..... ۱۶
- دل شیشه‌ای / با دلی از شیشه نازک‌تر چگونه نشکنم ..... ۱۹
- فرصت تماشایی / من آن غروب غم‌انگیز رو به دریایم ..... ۲۱
- سکوت سنگی / ای دل چرا به روی من دروا نمی‌کنی ..... ۲۴
- عبور از نم‌باران / دوباره بزم نرمک می‌تراود نم‌باران ..... ۲۶
- راحت جان / مثل آهو به من نگاه مکن ..... ۲۹
- حضرت شیرین / چقدر چشم تو زیباست حضرت شیرین ..... ۳۱
- شهر بی‌عاطفه / باز هم خسته‌ترین است روان من و دل ..... ۳۳
- ماجرای هجران / به شوق وصل تو از انتظار لبریزم ..... ۳۵
- صبح پنهان / ای صبح پنهان از نظر بگشا نقابت ..... ۳۷
- آب بقا / می‌آید آن که چشم تماشا به سوی اوست ..... ۳۹
- دست‌های مهربان / صدای گام‌هایت می‌کند بیدار گل‌ها را ..... ۴۱
- زندگی با عشق / عشق و رسوایی همیشه توأم است ..... ۴۳
- در ازدحام سنگ / آیینۀ شکسته‌ام در ازدحام سنگ ..... ۴۵
- دشت جنون / کوله‌بار خستگی بر شانه‌ دل بود و من ..... ۴۷
- جز عشق نیست / ای آفتاب آینه‌دار روی ماهت ..... ۴۹
- دل غافل / تمام گرفتاریم از دل است ..... ۵۱

- شوق رسیدن / ما تشنه لبان لب دریای تو هستیم ..... ۵۳
- اشک حضور / صبح که آهسته به پا می شوم ..... ۵۵
- سراچه بازیچه / هوا هوای دل انگیز روز بارانی است ..... ۵۷
- بهار آور / یک نفر ایستاده تنها سبز ..... ۵۹
- برق نگاه / روزی که مرا بر گل رویت نظر افتاد ..... ۶۱
- باغ آینه‌ای / چشم زیبای تو پیوسته تماشا دارد ..... ۶۳
- شوق حضور / یک نفر بازو گشاده زیر تیغ ..... ۶۵
- عمر دوباره / من از دریچه چشمت به آفتاب رسیدم ..... ۶۷
- روزگار دلتنگی / دلم گرفته از این روزگار دلتنگی ..... ۶۹
- زیباترین گل / چه زینا می شوی وقتی که می گردی سراپا سبز ..... ۷۱
- رضای دوست / باز کن پنجره‌ای رو به نگاهم ای دوست ..... ۷۴
- بار نگاه / مثل آهو می کشد گردن ولی رم می کند ..... ۷۶
- سهم من / من که دارم به جمال تو نظر چون فرهاد ..... ۷۸
- بر فراز ابرها / بال در بال ملانک پرفشانی می کنی ..... ۸۰
- حافظ / تماشایی است شب‌ها با تو بزم عاشقان حافظ ..... ۸۲
- پرواز / تا به کی در آشیان سر زیر بال و پر کنیم ..... ۸۵
- نسیم یاد شهیدان / به شوق وصل تو جان در بدن نمی گنجد ..... ۸۷
- طلوع سرخ / بلوغ سبز تو رؤیای آب می شکند ..... ۸۹
- غروب دلتنگی / بی تو سال‌ها ماندم در مدار حیرانی ..... ۹۱
- فصل گریه / دل درون سینه‌ام زندانی است ..... ۹۳
- پیری / گلی ز فصل جوانی به شاخسار ندارم ..... ۹۵
- حکایت دل / کسی به غیر غم از من خبر نمی گیرد ..... ۹۷



- الله اکبرهای سرخ / روبرو دریا و پرواز کبوترهای سرخ ..... ۹۹
- غربت عشق / تشنه اما امیدوار ای ابر ..... ۱۰۱
- تنهایی / منم که شیفته روزگار دیربتم ..... ۱۰۳
- پروانه صفت / آن که از شیوه چشمت غزل آموخت منم ..... ۱۰۵
- نور اشک / سحر در برکه های اشک می شویم دل خود را ..... ۱۰۷
- چراغ اشک / یاد تو شمع محفل شب های تار ماست ..... ۱۰۹
- روی نیاز / یاد باد آن که دلم غیر تو همراه نداشت ..... ۱۱۱
- راز نگاه / از آن روزی که چشمم را به دیدار تو وا کردم ..... ۱۱۳
- آرزوی دیدار / ای من به فدای روی ماهت لیلا ..... ۱۱۵
- بذر غم / پیوسته هر شب تا سحر بیدارم ای دوست ..... ۱۱۷
- فصل بی برگی / چشم در راه توأم با اشکباری ها هنوز ..... ۱۱۹
- امید وصال / چشمم افتاد به روی تو گرفتار شدم ..... ۱۲۱
- بزم عاشقان / باغ عشق از تو آب می گیرد ..... ۱۲۳
- فقس خاطرات / شب است و زلف سیاه تو در پریشانی است ..... ۱۲۵
- فصل رویایی / فصل پاییز فصل زیبایی است ..... ۱۲۷
- باب آشنایی / من از دل می گشایم بر تو باب آشنایی را ..... ۱۲۹
- حضرت معشوق / ای دهانت تنگ تر از غنچه لبخندی بز ..... ۱۳۱
- آهوی نگاه / ای نگاه مهربانت روشنی بخش دل من ..... ۱۳۳
- پیچ و خم عشق / من همدم دل هستم و دل همدم عشق است ..... ۱۳۵
- بهشت آرمانی / می تراود از نگاهت آفتاب مهربانی ..... ۱۳۸
- عشق آسمانی / دل گرفتار تو شد من هم گرفتار دل ای دوست ..... ۱۴۰
- درخت آرزو / ای درخت آرزو ای خاطرات سبز و زردم ..... ۱۴۲
- آرزوی وصل / عشق معنای کبوتر می دهد ..... ۱۴۴

- ۱۴۷..... باغ گل‌ها/ در آن ماهی که بر روی تو پیداست
- ۱۴۹..... حریم عشق/ آسمان دریا و مهتاب است قایقران شب
- ۱۵۲..... خاطرات عشق تو/ آن که با چشمش دل از من برده
- ۱۵۵..... میخانه عشق/ از آن مهری که در چشم تو جاری است
- ۱۵۷..... سوگند/ صبح در سایه گیسوی تو پا در بند است
- ۱۵۹..... طرز نگاه/ سحر در برکه مهتاب دیدم روی زیبایت
- ۱۶۱..... طلوع سحر/ ای که در سایه گیسوی تو شب در خواب است
- ۱۶۳..... در شب یلدا/ دلم از شوق تو گشته هوایی در شب یلدا
- ۱۶۶..... قصه غصه/ به کجا می روی ای سرو خرامان برگرد
- ۱۶۸..... لیلا/ ای وای به من وای به خالم لیلا
- ۱۷۱..... شیوه رندانه/ در شب مهتاب دور از روی تو در خانه من
- ۱۷۳..... انفاس مسیحایی/ آسمان گوشه ای از چشم تماشاچی تو
- ۱۷۵..... آینه دل/ سال‌ها بر سر راه تو نشستیم ای دوست
- ۱۷۷..... گل لبخند/ به مهربانی ات ای دوست می خورم سوگند
- ۱۷۹..... شعر و باران/ به یادت زیر باران گام برمی دارم آهسته
- ۱۸۲..... سراپرده عشق/ من که دم می زنم از عشق مرا همدم نیست
- ۱۸۵..... زیر باران/ زیر باران قدم زدن عشق است
- ۱۸۷..... داستان چشم تو/ آبی احساس یعنی آسمان چشم تو

## آزمای آسانی

شعر انعکاس آرزوهای نهانی است  
تصویری از پیچیدگی‌های روانی است  
تصویری از روح لطیف کودکان  
آینه‌ای در امتداد مهربانی است  
مثل فرو افتادن برگ از درختان  
یک اتفاق ساده اما ناگهانی است

هم ساده هم دشوار هم زیباترین حرف  
 شعر آن شگفت‌انگیز جادوی زبانی است  
 آهسته می‌آید کنارم می‌نشیند  
 آهسته یعنی لحظه‌آینه‌خوانی است  
 در پیش رویم می‌نهد آینه‌عشق  
 آینه‌عشقی که سرشار از معانی است  
 آینه‌ای از جنس خورشید نگاهت  
 از جنس خورشیدی که نورش جاودانی است  
 من در میان شعله‌های سرکش عشق  
 دل در حریم سنایه‌های پرنیانی است  
 دل در حریم سایه‌روشن‌های چشمت  
 محو تماشای در فضایی لامگانی است  
 من در عبور از گریه‌های شاعرانه  
 دل زیر باران غزل رنگین‌کمانی است  
 دل زیر باران غزل‌های نگاهت  
 چشم انتظار آیه‌های آسمانی است

از لطف خورشیدی که در چشم تو جاری است  
باغ خیالم فارغ از شعر خزانگی است  
من شاعر چشمان زیبای تو هستم  
چشمان تو زیباترین بیت جوانی است  
شعرم به رنگ آبی احساس عشق است  
عشق آبروی هرچه اشعار جهانی است  
عشق آن کشیده از غلاف چشم تو تیغ  
در جنوی شمشیرش زلال زندگانی است  
تا از لب شمشیر تو آبی ننوشد  
دل همچنان در آرزوی جان فشانی است  
ای آرزوی از نظر پنهانم ای عشق  
شعر انعکاس آرزوهای نهانی است

## چشم انتظار

امشب دلم را می‌تکانم پیش پایت  
چیزی به غیر از دل ندارم از برایت  
امشب گلوی زخمی‌ام را می‌سرایم  
یعنی تمام غربتم را در هوایت  
می‌خواهم امشب سال‌ها خاموشی‌ام را  
آرام بگردارم بریزم در صدایت  
ای با دل من آشناتر از من ای خوب  
دیری است تنها مانده این جا آشنایت

دیری است بی تو کلبه‌ام تاریک مانده است  
بگشای بر من روزنی از چشم‌هایت  
دل در هوای چشم‌هایت می‌زند پر  
تا محو گردد در نگاه دلربایت  
چشم تو بر من می‌کشد تیغ نظر را  
تا من شوم در زیر شمشیرت فدایت  
وقتی نگاه شرقی‌ات می‌بارد از مهر  
من کیستم، خورشید می‌افتد به پایت

WWW.PAKKAM.COM

## بیتی شمش

دلم پر است پر از لحظه‌های بارانی  
پر از گریه‌های طولانی  
طلسم بغضم اگر بشکند ز دلنگی  
شکسته دل ترم از ابرهای ببارانی  
بیا به دامنم ای اشک لحظه‌ای بنشین  
مگر غبار دلم را دوباره بنشانی



بیا که چشم به راهت نشستام ای اشک  
 بیا که با تو شبم می شود چراغانی  
 شب است و خلوت و تنهایی و تلاطم درد  
 من و خیال تو و گریه های پنهانی  
 به روی شانۀ دل سر نهاده می گریم  
 به باد چشم تو و آن نگاه پایانی  
 مراد در آبی چشمان خود رها کردی  
 چگونه بگذرم از موج های طوفانی  
 به وسعتی که ندارد کرانه یعنی عشق  
 عبور می کنم اما به سمت ویرانی  
 بیا که با سر زلفت به هم گره خورده است  
 شب سیاه من و قصه ی پریشانی  
 تمام پنجره ها را گشوده ام بر صبح  
 بیا به خلوتم ای آفتاب روحانی  
 میان این همه گل های عشق پرورده  
 به برگ تازه گل های یاس می مانی

تو آرزوی منی با دلم هم احساسی  
چرا برای دل من غزل نمی خوانی

WWW.BOOKA.IR

## دل‌پشای

با دلی از شیشه نازگ‌تر چگونه نشکنم  
سنگ را من کرده‌ام باور چگونه نشکنم  
از در و دیوار سنگ کینه می‌بارد هنوز  
من که دارم آینه در بر چگونه نشکنم  
نشکنم گر در عبور از سنگباران فلک  
در عبور از عشق ویرانگر چگونه نشکنم

آسمان پوشیده از بال کبوترها شده است  
من که محرومم ز بال و پر چگونه نشکنم  
هر نفس هر لحظه می‌بینم میان بادها  
باغی از گل می‌شود پرپر چگونه نشکنم  
مانده‌ام چشم‌انتظارت در عبور از لحظه‌ها  
با نگاهی خسته چشمی تر چگونه نشکنم  
دشمن از رو بسته شمشیر از برایم دوست نیز  
می‌زنند از پشت سر خنجر چگونه نشکنم  
یک طرف نیرنگ دشمن یک طرف تزویر دوست  
با دلی از شیشه نازکتر چگونه نشکنم